

مثلاً در فرانسه میتوانست عبارت باشد از مالیات سرانه برحسب تعداد نفرات در خانواده دهقان. در برخی نواحی هنگامی که دهقانی ازدواج می کرد، ولی نعمت یا سزارین او میتوانست «حق شب اول» مطالبه کند. بعدها این رسم به خراج نقدی یا جنسی تبدیل شد. چون دهقان شخصاً وابسته به ارباب خود بود، مالیات برارث خود را نیز باید به او پرداخت می کرد. سرانجام، ارباب مالیات و عوارض دیگری به دهقانان خود بسته بود (معمولاً برحسب هوا و هوس خود) که به آنها اجازه دهد ازدواج کنند، محل سکونت خود را تغییر دهند، ملک خود را به شخص دیگر واگذار کنند و جز آن.

وابستگی شخصی، حقوقی و اداری دهقانان برای ارباب معنای دیگری بیش از منبع در آمد اضافی داشت. مفهوم اصلی این نوع وابستگی در جای دیگر بود.

پرداخت مالیات زمین عناصری از وابستگی اقتصادی در خود داشت ولی هنگامی که دهقان از خود ملک و ابزار داشت، اجبار غیر اقتصادی - قدرت مستقیم ارباب بردهقان مورد نیاز بود تا دهقان به واگذاری بخش بزرگ محصول خود به ارباب وادار شود. تسلط حقوقی و اداری ارباب بر دهقان، بسا قدرت ارباب بر شخص او پیوند نزدیک داشت. وجود اجبار غیر اقتصادی از مشخصات ویژه تولید فئودالی بود.

در نظام فرانسوی وابستگی شخصی دهقان هنگامی برقرار شد که مالکان بزرگ اراضی دهقانان و جماعتها را تصاحب نمودند. آزادگان خانه خراب و تهی دست مجبور شدند خود را زیر حمایت همسایگان نیرومند خود قرار دهند تا زندگی و بقایای ملک خود را در زمان جنگ و حملات دائمی اربابهای دیگر حفظ کنند. منشاء این نوع «حمایت» امپراطوری روم بود.

اشکال گوناگون وابستگی دهقانان (شخصی، حقوقی و اداری) با اشکال گوناگون سازمان دولتی فئودالی - روستایی نظام فئودالی - پیوند نزدیک داشت. در آغاز، وظایف عمده نخستین دولت های فئودال، سرکوبی شورش های بردگان و کولون ها در سرزمین های مفتوح و جمع آوری مالیات از مردمان بومی ایتالیا

و ایالات رمی بود. از آن پس یکی از هدف‌های دولت انقیاد دهقانانی بود که سابقاً آزاد بوده اینک زیر فشار بهره‌کشی قرار گرفته بودند. نخستین دولت‌های فتودالی وظیفه اصلی خود را که همانا تقویت موقعیت حاکم مالکان بزرگ بود. به انجام رسانیدند.

**نخستین دولت فتودالی فرانک‌ها**  
تغییرات در سازمان سیاسی نظام فرانک، بویژه بر اثر تغییراتی بود که در روابط اقتصادی-اجتماعی موجود روی داد. در پایان قرن پنجم رئیس نظامی برگزیده یک قبیله جای خود را به فرمانروای موروثی یا پادشاه داد. تسخیر ایالات رمی- که به تحکیم وضع طبقه حاکم و سازمان سیاسی آن- دولت- سرعت بخشید- در این مورد نقش قطعی ایفاء نمود. ارتش فتودالی که بطور عمده از دستجات زیر نظر ارباب فتودال تدارک شده بود، در این هنگام جانشین سپاهیان عهد باستان گشت که از خود اهالی تشکیل می‌شد.

تقسیم قبیله‌ای پیشین جای خود را به تقسیمات ناحیه‌ای داد. قدرت اداری و قضائی در ناحیه‌ای معین، به شخص وفاداری که «کنت» خوانده می‌شد سپرده شد. او یک سوم همه جرائم دعوای حقوقی در دادگاه‌های ناحیه خود را به خزانه پادشاه تحویل می‌داد. ولی در طی سلطنت مروویژین‌ها، نخستین سلسله پادشاهان فرانک، این تمرکز ظاهری سازمان دولتی بر اثر قدرت روزافزون زمین داران ثروتمند بر هم خورد. در این هنگام پادشاه به ایشان مصونیت‌های سلطنتی اعطا می‌کرد که در حدود قلمروی معینی معتبر بود. دارنده چنین مصونیتی، شخص ممتازی محسوب می‌گشت. در قلمروئی که وی مصونیت داشت، تصدی همه امور اداری و حقوقی (در آغاز دعوای جنائی مستثنی بود) با او بود. وی مالیات وصول می‌کرد و بر دسته‌های نظامی که در قلمروی او تشکیل شده بود فرمان می‌راند.

نخستین دولت فتودالی فرانک در قرن هشتم و نهم بطور کامل تشکیل

شد. مشخصه ویژه دولت مزبور پراکندگی فئودالی و استقلال سیاسی مالکان منفرد بود. این جنبه در طی فرمانروائی امپراطوری کارولنژین ها که پس از مرگ شارل کبیر (شارلمانی) روبرو تجزیه نهاد تسلط و دوام داشت.

منبع در آمد سرشار ارباب فئودال، بهره کشی نامحدود تولیدکنندگان مستقیم دهقانان (و نیز بعدها پیشه‌وران) بود. بخش بزرگه اهالی در نظام

### تضادهای اساسی نظام فئودالی

فئودالی کاملاً به اقلیت کوچک مالکان اراضی وابسته بود. در کنار این دو طبقه متضاد، گروه‌های اجتماعی دیگر نظیر پیشه‌وران وجود داشتند. طبقات و گروه‌های گوناگون در جامعه فئودالی (مانند جامعه برده‌داری) از مراتب حقوقی گوناگون برخوردار بودند. در پاره‌ای موارد یک طبقه به چند قشر داخلی تقسیم می‌شد (بدینگونه، طبقه حاکم قرون وسطی به ارباب روحانی و غیر روحانی تقسیم می‌گشت) و در موارد دیگر چند طبقه و یا قشر زیر سلطه، از نظر اشتراك منافی که در برابر طبقه حاکم داشتند پایگاه اجتماعی Estate معینی را تشکیل می‌دادند (که در فرانسه به آن طبقه سوم می‌گفتند) که بعدها این بخش از جامعه به صورت طبقات و گروه‌های اجتماعی جدا گانه دهقانان، پیشه‌وران، تجار و ربا-خووران درآمدند.

برده ساختن عمومی دهقانان آزادفرانکی در جریان يك مبارزه طبقاتی شدید صورت گرفت. اشکال این مبارزه متنوع بود: از فرار دهقانان گرفته تا شورش مسلحانه آنها. بدیهی است قیام‌های پراکنده و خود به خودی نمی‌تواند خوش فرجام باشد، و لسی مبارزه طبقاتی دهقانان ارباب را مجبور می‌کرد

### مبارزه ضد فئودالی دهقانان در دوره متقدم قرون وسطی

میزان مالیات را تثبیت کند و حاکمیت خود کامانه آنها را محدود سازد. و از آن پس مقدار مالیات به موازنه نیروهای طبقاتی بستگی داشت.

سراسر سازمان سیاسی نظام فئودالی فرانک‌ها در خدمت سرکوبی خلق بود. نیروی قطعی در سرکوبی این قیام‌ها سپاهیان شاه بودند که بمنزله سخنگویان کل طبقه فئودال بشمار می‌رفتند لیکن برخی اوقات مالکان بزرگ از دستجات نظامی خود نیز برای فرونشاندن قیام‌های دهقانی سود می‌بردند.

## استقرار روابط فئودالی در اروپای شرقی

جریان پیدایش و شکفتگی صورت بندی طبقاتی و

شکفتگی فئودالیسم  
در میان اسلاوهای  
شرقی

تأسیس دولتی از اسلاوهای شرقی در قرون ششم

تا نهم میلادی دارای ویژگی مخصوص به خود است

سلطه دولت برده داری رم آنطور که در اروپای

غربی برقرار شد به قلمرو مسکونی اسلاوهای

شرقی گسترش نیافت. از این رو نظام برده داری تأثیر مستقیمی بر نظام اجتماعی

قبایل مزبور نداشت. تجزیه نظام جماعات اشتراکی آغازین در اروپای

شرقی هنگامی صورت گرفت که نظام برده داری در نواحی ای که اسلاوها

حتی کمترین تماس هم با آنها نداشتند از میان برخاسته بود. در جریان پیدایش

و شکوفائی صورت بندی طبقاتی اسلاوهای شرقی به فئودالیسم نزدیک شدند

و صورت بندی برده داری را به خود ندیدند. طبقات اصلی نظام فئودالی در

قرون نهم و دهم میلادی تشکیل شدند. آزادگان که زیر فشار بهره کشی زمین

داران فئودال قرار گرفته بودند به تدریج به صورت دهقانان وابسته دزمی آمدند.

یکی از دولت‌های متقدم فئودالی در این منطقه در

قرن نهم پدیدار شد که پایتخت آن شهر «کیف»

بود. پایه گذار این دولت، اشراف قبیله پولیانسی<sup>۱</sup>

کیف

روس

که آنرا روس می‌نامیدند بودند. اکثر قبایل اسلاو شرقی در قرون نهم-یازدهم

به دور این قبیله گرد آمدند. با آغاز قرن یازدهم این دولت باستانی روسی که به کیف روس<sup>۱</sup> موسوم شد سرزمینهای اطراف رود اوکا، دنی پر<sup>۲</sup> را متحد کرد. قلمرو مزبور شامل دن و شمال قفقاز - اراضی ماررای دنیستر<sup>۳</sup> و دامنه کارپاتیان<sup>۴</sup> (کارپاتیان روس) نیز می شود. نووگروده<sup>۵</sup> و اراضی مجاور ایلمن<sup>۶</sup> نیز وابسته به کیف - روس بودند.

گراندوک کیف فرمانروای عالی بود. دروژینا<sup>۷</sup> - پادگان او - به ارشدها (بویارها و نفرات دوک) و زیردستان (گرییدی و اتروکی) تقسیم می شد. پادگان گراند دوک در مذاکرات مربوط به امور دولتی شرکت می جست. در قرون یازدهم - دوازدهم، گراندوک از اهالی نواحی چندی که در میان آنان بنفایای نیرومند روابط طایفه ای و قبیله ای وجود داشت خراج می گرفت. بخشی دیگر اراضی متعلق به ارباب فتودال بود. برخی از این املاک می توانست به ارث برسند (بعدها املاک مزبور کاملاً موروثی شدند). لیکن پاره ای از اراضی در تملک موقتی ارباب فتودال بود که در قبایل آنها، ارباب مزبور با گراندوک اتحاد نظامی داشتند. عده دهقانان آزاد (Smerds) که به خزانه دوک مالیات می پرداختند رو به کاهش بود. تصاحب اراضی دهقانان توسط ارباب فتودال به بردگی دهقانان انجامید.

روابط متقدم نظام برده داری در کیف - روس وجود داشت لیکن از این حالت فراتر نرفت. دهقانان وابسته در مزارع ارباب خود کار می کردند و نیز به آنها عوارض جنسی می پرداختند. به عبارت دیگر نیکگاری و بهره مالکانه جنسی در کنار هم وجود داشت. رشد نیروهای مولد شالوده ای بود برای شکستن روابط فتودالی.

کشت غلات شکل اساسی تولید کشاورزی بود. در نواحی جنوبی دهقانان از گاو آهن استفاده می کردند. شیوه زمین - آیش

1 Kiev Rus

2- Dnieper

3- Dneistre

4- Carpethians

5- Novgorod

6- Ilmen

7- Drozhina

متداول بود. ولی شیوه‌های کشت دوباره و سه‌باره نیز آغاز شده بود.

پیشه‌وری در حال شکفتن بود و بتدریج داشت از کشاورزی جدا می‌شد. پیشه‌وران که در روستاها ماندگار بودند وابسته به ارباب می‌شدند. پیشه‌وران مقیم اطراف دژهای مسکونی شاهزادگان، محله‌های پیشه‌وران را تشکیل می‌دادند. در این هنگام شهرها بصورت مراکز پیشه‌ها درآمدند. از این لحاظ کیف - روس از اروپای غربی پیش‌تر بود. در منطقه اخیر این جریان در طی دوره روابط فتودالی متکامل شکل گرفت. مورخان به وجود ۸۹ شهر در روس قرن یازدهم میلادی اشاره می‌کنند.

در شهرهای مذکور در قرن ۱۲ بیش از ۶ صنف شناخته شده است که به تولید ۱۵۰ قلم کالاهای مختلف فلزی - آهن و فولاد - مشغول بودند. پیشه‌وران روسی در ساختن ابزارها، اسلحه و جواهرات گوناگون مهارت داشتند. ولی رشد ناکافی تقسیم اجتماعی کار و شکل طبیعی اقتصاد مانع رونق تجارت داخلی بود.

آثار مکشوف از زمان روسیه باستان در طی حفاری‌های نووگروود، سطح عالی فرهنگی نخستین شهرهای روسی را نشان می‌دهد.

تجارت خارجی بیشتر رونق داشت. تجار روسی میان عربستان، روم شرقی، لهستان، آلمان و اسکاندیناوی درآمد و شد بودند. آنها به فروش خز، موم، عسل، قطران، کتان، جواهر، اسلحه و جز آن اشتغال داشتند و نیز به نوبه خود، اقلام گوناگون اشیاء تجملی، شراب، میوه و ادویه‌جات از سرزمینهای خارجی می‌خریدند.

در قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم کیف - روس دولت نیرومندی بود از لحاظ اقتصادی متکامل که قدرت آن بر بهره‌کشی بیرحمانه دهقانان و پیشه‌وران استوار بود.

خلق دائماً برستمگران خود می‌شورید. یکی از شورش‌های بزرگ در کیف روس در سال ۱۱۱۳ میلادی رخ داد. زیر فشار مردم، دوک مجبور شد به دادن برخی امتیازات رضایت دهد.

نقش دولت  
کیف در عرصه  
بین‌المللی

نخستین دولت فتودالی روس نقش مهمی را در  
استقرار سلطه ارباب فتودال ایفاء نمود. ولادیمیر  
(از ۹۸۰ تا ۱۰۱۵)، فرزندوی یاروسلاو خردمند  
(۱۰۵۴ - ۱۰۱۹) و ولادیمیر مونوماخ  
(۱۱۲۵ - ۱۱۱۳) نوه یاروسلاو، مشهور  
ترین گرانددوک‌های کیف بودند که در تحکیم و

تقویت حکومت ارباب فتودال سهم به سزایی داشتند. در سال ۹۸۸ میلادی  
ولادیمیر بمنظور افزایش قدرت حکومت خود، مسیحیت را بمنزله دین رسمی  
روسیه اعلام نمود. مسیحیت از راه رم شرقی به روسیه نفوذ کرد. در این زمان  
بود که ناموزونی تکامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رم شرقی و ممالک اروپای  
غربی سبب منازعات شدید و جنگهای عینی میان کلیساهای مسیحی غربی و  
شرقی گشته بود. گسیختگی نهایی در سال ۱۵۰۴ صورت گرفت. هر کلیسایی  
ادعا می کرد که یگانه کلیسای راستین است («کاتولیک» به تلفظ غربی و «کافولیک»  
به تلفظ شرقی). از این رو کلیسای غربی به کلیسای کاتولیک رم و کلیسای شرقی  
به کلیسای کافولیک یونانی یا رم شرقی موسوم گشتند. کلیسای شرقی به کلیسای  
ارتودکس یونانی نیز مشهور است.

در قرون یازدهم و دوازدهم دولت روسیه باستان چنانکه از روابط سیاسی،  
فرهنگی و تجارتي آن با اروپا و رم شرقی برمی آید نقش مهمی در عرصه بین‌المللی  
داشته است. بسیاری از پادشاهان اروپایی با شاهزاده‌هایی از خانواده سلطنتی  
کیف ازدواج کردند. روسیه و ساکنان آن در گزارش‌های جهانگردان عرب و  
مورخان رم شرقی، در افسانه‌های اسکاندیناوی، در حماسه فرانسوی سرودرولان،  
در افسانه‌های آلمانی و سایر ممالک توصیف شده‌اند.

شکفتگی اقتصادی و سیاسی دولت کیف بر اثر هجوم مغول قطع شد.  
تسخیر روسیه بدست قبایل مغول بر اثر پراکندگی ارباب فتودال و عدم تمرکز  
دولت روس - کیف آسان گشت.

## ویژگیهای روابط فتودالی در آسیا و آفریقا

روابط فتودالی در آسیا و آفریقا بر حسب الگوی خاص خود پدید آمد

و تکامل یافت. در آسیا روابط فتودالی در هر کشور اشکال متفاوتی بخود گرفت.

استقرار روابط فتودالی در چین در قرن سوم میلادی  
(بموجب برخی منابع زودتر از این) به پایان  
رسید. از نظر سیاسی این مرحله مصادف بود با  
انقراض امپراطوری باستانی «هان» و وحدت بعدی

### فتودالیسم در نظام برده‌داری چین

کشور در امپراطوری «چهاین». یکی از ویژگیهای روابط فتودالی در چین عبارت  
بود از استقرار مالکیت انحصاری طبقه حاکم بر زمین و آب نه بمنزله مالکیت  
فردی بلکه بمنزله شکلی از مالکیت دولتی. این شکل، همچون مالکیت دولتی  
در نظام برده داری به تمرکز کار جماعتی و ساختمان عظیم و پهناور دژها و  
استحکامات بستگی داشت. در همین زمان بود که ساختمان دیوار عظیم چین  
آغاز شد.

در طی سلطنت شییهوانگتی<sup>۱</sup> نخستین امپراطور «چهاین» در مورد  
اراضی دیوانی قانونی صادر شد. به موجب این قانون دهقان قطعه زمینی دریافت  
کرد که بعدها به دو بخش شد. محصول بخشی متعلق به خود او و بخش دیگر  
به دولت تعلق می گرفت. گذشته از این دهقانان مسئول نگهداری نهرهای آبیاری،  
زمکشی زمین و ساختن استحکامات بودند. این شکل ویژه‌ای از بهره کاری یا  
بیگاری بود. ولی نظام اروپایی که در آن دهقان در زمین ارباب خود کشت  
میکرد در چین عملاً ناشناخته بود.

در چین املاک متعلق به ارباب فتودال بالنسبه اندک بود و نیز کوشش  
برای ایجاد مزارع دولتی بوسیله کار دهقانان توفیق نیافت.

دولت فتودالی میکوشید دهقانان را به زمین وابسته کند و در عین حال  
منافع او را در ملك خودش تشویق مینمود. از این رو بهره مالکانه به صورت  
جنسی متداول گشت.

1- Shih Hong Ti



## فتودالیسم در ژاپن و هندوچین

تحت تأثیر رشد روابط فتودالی در چین، نظام‌های فتودالی در ژاپن و کره نیز به وجود آمد. هر دو این کشورها بطور مستقیم از نظام اشتراکی آغازین به فتودالیسم وارد شدند و از نظام برده‌داری بمثابة نظام مسلط اجتناب نمودند. روابط فتودالی در ژاپن در قرن چهارم میلادی پدید آمد. لیکن برده‌داری - بی‌آنکه بردگان نقش مهمی در تولید داشته باشند - مدتی طولانی مقاومت کرد. اکثر اراضی و دستگاه‌های آبیاری در ژاپن در تملک دولت فتودالی بود. بموجب بیانیه امپراطور در ۶۴۶ میلادی استفاده خصوصی از اراضی ملکی شد. بدین‌گونه دهقانان مستأجر املاک دیوانی شدند و بهره مالکانه‌ای به صورت جنسی اعم از محصولات و مصنوعات می‌پرداختند و در کارجماعتی گوناگون شرکت مینمودند.

میان سران حکومت اراضی معینی تقسیم شده بود که بوسیله دهقانان کشت می‌شد و در برابر، صاحبان آن باید خدمات نظامی انجام دهند (مانند بنفیس اروپائی). اینان نقش میانجی طبقه حاکم و دهقانان را برعهده داشتند. بدین‌گونه سلسله مراتبی در ژاپن بوجود آمد که مانند آزرراکم و بیش در همه کشورهای آسیائی که فتودالیسم در آنجا برقرار بود می‌توان پی‌جوئی کرد. در هندوچین نیز روابط فتودالی در قرن پنجم میلادی بوجود آمد. در این هنگام دو نظام دولتی در هندوچین وجود داشت یکی موسوم به «لین» یا «چامپا» که در ویتنام جنوبی و مرکزی کنونی برقرار بود و دیگری فونان که در بخش جنوبی هندوچین تأسیس شده بود که تبعه آن بیشتر از «خمر»ها تشکیل می‌شد.

در طی دوره اقتصاد پراکنده فتودالی متداول در قرن پنجم، دولت مستقلی در بخش شمالی فونان (کامبوج فعلی) پدید آمد. در قرن ششم میلادی این دولت سراسر قلمرو فونان را متحد کرد. چینی‌ها این دولت فتودالی پهناور را «چن-لا» میخواندند. این دولت در قرن شانزدهم میلادی به کامبوج موسوم گشت.

## روابط فتودالی در هند

هند که هیچ گونه نفوذ خارجی را به خود ندید ،  
نمونه مشخص جامعه‌ای فتودالی بشمار می‌رود که  
شکل متقدم برده‌داری - یعنی برده‌داری پدرسالاری -

و در کنار آن بقایای نظام اشتراکی آغازین را در خود حفظ نمود.

روابط فتودالی در هند در قرون پنجم و ششم پدید آمد. جماعت روستائی  
خصیلت منفرد و طبیعی خود را حفظ کرد. پیشه‌های شهری بطور عمده برای  
ادضای نیازهای اشرافیت برده‌داری بود. مبادله کالا معمولاً میان شهرهای بزرگ  
انجام می‌گرفت.

نیروهای مولد در هند به کندی پیش می‌رفت و از لحاظ کاربرد وسیع  
ابزارهای آهنی در کشاورزی به حداکثر رشد خود رسید. روابط موجود برده-  
داری مانع تکامل نیروهای مولد بود. کار برده‌وار بیش از پیش ناسودمند می‌گشت.  
زمین‌داران بزرگ قطعات کوچکی زمین به بردگان خود می‌دادند که در ازای  
آن بردگان نیز مجبور بودند برای ارباب خود کار کنند. برخی مالکان اراضی  
خود را به قطعات کوچک تقسیم و آنها را به دهقانان آزاد در برابر دریافت سهم  
معینی از محصول اجاره می‌دادند.

اشکال فتودالی تازه در هند ، شیوه‌های کهنه‌کار را تغییر داد. جماعت  
اشتراکی به خانوارهای منفرد تقسیم شد که هر یک از آنها قطعه زمین کوچک  
خود را داشت. تقسیم اراضی جماعات روستائی ، به نابرابری اقتصادی و فقر  
عده زیادی زحمتکشان انجامید. این جریان، تضادهای اجتماعی را تشدید کرد  
و نیز سبب تضادهای درونی طبقه حاکم گشت : تضاد میان اشرافیت برده‌دار که  
سررشته‌دار دستگاه دولتی بود با ارباب فتودال جدید.

امپراتوری برده‌داری «گوپتا»<sup>۱</sup> که قرن‌ها به وجود خود ادامه داد به سبب  
تضادهای مذکور ضعیف شد و در اواخر قرن پنجم میلادی بدست «افتالی»<sup>۲</sup>ها  
منقرض گشت .

1- Gupta

2- Ephthalites.

حکومت «افتالی»ها نیز دیرزمانی نپائید و در ۵۴۰ میلادی منقرض شد. بار دیگر امپراتوری واحد جای خود را به دولت‌های کوچک مستقل و متعددی داد که در درون آنها رشد فتودالیسم ادامه یافت.

انقراض نظام اشتراکی  
قبایل چادر نشین بدوی

دولت‌هایی که در شبه جزیره عربستان تشکیل شدند  
سومین گروه کتورهائی هستند که روابط فتودالی  
آنها از ویژگی برخوردار است. دولت‌های  
برده داری باستانی عربستان از میان رفتند و بار دیگر در طی دومین و نخستین  
هزاره پیش از میلاد بوجود آمدند و فقط دولت «حمیر»<sup>۱</sup> در سرزمینی که  
یمن کنونی در آن واقع است تا پایان قرن ششم میلادی ادامه داشت. در  
دوران‌های بعدی، فقط چند دولت - شهر برده دار مانند مکه و یثرب (مدینه)  
وجود داشت لیکن باید دانست شکل روابط برده داری در شبه جزیره عربستان  
خیلی ابتدائی بود. رشد روابط فتودالی در قرن هفتم آغاز شد. این روابط  
بر ویرانه روابط اشتراکی کهن در میان قبایل بیابان گرد پدید آمد.

قبایل عرب شبه جزیره عربستان به دو گروه قومی تعلق داشتند: اعراب  
جنوبی (یعنی) و اعراب شمالی. در قلمرو حمیر زراعت رشته اصلی اقتصاد  
بود ولی اکثریت بزرگ اعراب، چادر نشین بودند و برای گسترش دام داری  
امکانات بیشتری داشتند تا زراعت.

گسترش دام داری و رونق تجارت میان قبایل، به اشرافیت قبایل فرصت  
چشم گیری برای گردآوری ثروت می داد بویژه در زمینه چارپایان و چراگاه.  
بدین گونه خانواده‌های دارا تر از بقیه افراد قبیله جدا شدند. توده قبایل فقیرتر  
میشد و از لحاظ اقتصادی وابسته به دارایان. گرچه رئیس قبیله برگزیده افراد  
قبیله بود لیکن وی معمولاً عضو خانواده یا طایفه ثروتمند بود. بدین گونه  
قشر اجتماعی تازه ای پدید آمد که قدرت و نفوذ آن بموجب تعداد گله‌ها و اراضی

1- Himyarite Kingdom.

متعلق به او تعیین می‌شد. و توأم با آن نیاز به ایجاد دولت یعنی دستگاهی برای سرکوبی زحمتکشان احساس گشت. از قرن دوم تا هفتم میلادی در شمال شبه جزیره عربستان «لخم» و «قصان». دولت‌های فتودالی‌ای پدید آمدند که در رأس آن سلاطینی از قبایل «لخم» و «قصان» قرار داشتند.

تشکیل و تکامل روابط فتودالی در ممالک شمال  
افریقا و نواحی واقع در جنوب صحرا کاملاً مشابه  
با سیر فتودالیسم در اروپا و آسیا بود.

### روابط فتودالی در آفریقا

دولت غنا یکی از کهن‌ترین دولت‌های فتودالی بود. این دولت تقریباً در قرن هفتم در حوزه رودخانه‌های سنگال و نیجر تشکیل شد که اهالی آن اقوام مربوط به گروه زبان‌های ماندا (بامبرا و جز آن) بودند. ساخت اجتماعی - اقتصادی دولت باستانی غنا روشن نیست. ولی آنچه شناخته است آنست که دولت مزبور تحت سلطه ارباب فتودال بود. در پایان قرن هشتم سلسله «تونکارا» قدرت یافت. حکومت به موجب نسب مادری به ارث می‌رسید (ازدائی به پسر خواهرش) و این نشان آنست که در آنجا بقایای نیرومند نظام اشتراکی کهن و نیز برده‌داری هنوز به صورتی موجود بوده است. فرمانروایان غنا برای بدست آوردن بردگان تازه غالباً علیه قبایل همسایه لشکر می‌کشیدند.

تقسیم اجتماعی کار چندانوسیع نبود. زیرا تجارت داخلی (ونه‌خارجی) نقش عمده‌ای در اقتصاد نداشت. صادرات بیشتر عبارت بود از صدور نمک و طلا. خطوط تجارتنی اصلی به ممالک «مغرب» می‌پیوست. مراکز تجارتنی در شهرهای غنا، ژن و شهرهای دیگر بود. ظهور شهرها همراه بود با سطح فرهنگی بهتر و ایجاد مدارس.

بطور کلی شیوه فتودالی تولید با مالکیت انحصاری  
ارباب فتودال بر وسائل اساسی تولید - زمین  
و ادوات کار - مشخص می‌گردد. واگذاری عوامل

### مشخصات کلی شیوه فتودالی تولید

مذکور به تولیدکننده مستقیم که ناشی از خود ماهیت مالکیت فئودالی است ، سبب وابستگی اقتصادی دهقان به زمین گشت. در این حال دهقان شخصاً وابسته به ارباب خود بود . اگر این اجبار غیر اقتصادی وجود نمی داشت ، ارباب هیچگاه نمی توانست دهقان را به کار برای خود وادار نماید. شکل و درجه اجبار از حالت سرواژ (وابستگی به زمین) گرفته تا نابرابری موقعت و پایگاه اجتماعی گوناگون بود.

اقتصاد فئودالی، اقتصادی بسته، پراکنده و طبیعی بود و رابطه بسیار ناچیزی با دنیای خارج داشت و به سبب سطح ابتدائی فن کشاورزی بازده محصولات آن بسیار پائین بود.

شیوه فئودالی تولید در ماهیت امر مترقی تر از شیوه برده داری بود هر چند شیوه فئودالی نیز مبتنی بر بهره کشی اکثریت بوسیله اقلیت حاکم بود . سرف برخلاف دوران برده داری ، صاحب خانواده و قطعه کوچک زمینی بود و بنابراین به نتیجه کار خود علاقمند بود. این علاقه تولیدکننده مستقیم به کار خود پایه ای شد برای رشد نیروهای مولد در نظام فئودالی.

تعبیر ایده آلیستی تاریخ جامعه در قرون وسطی، در نقطه مقابل درک مادی تکامل فئودالیسم و مراحل آنست. واژه قرون وسطی در ادبیات بورژوائی غربی نیز وجود دارد. مورخان اومانیست ایتالیائی دوره مذکور را مشابه

ماهیت فئودالیسم  
بنا بر منابع بورژوائی

دوره واسط میان فرهنگ یونان باستان و رنسانس در ایتالیا و ممالک اروپائی دیگر در قرون ۱۶-۱۵ معرفی کرده اند. و از آن پس در آثار نویسندگان بورژوائی تقسیم تاریخ به باستان ، قرون وسطی و قرون جدید تثبیت شد. ولی غالب دانشمندان غربی، ادوار مزبور را به هیچ فراگرد اقتصادی - اجتماعی مربوط نمی دانند و تنها به این واژه ها صرفاً به مثابه نامهای قراردادی می نگرند برخی دانشمندان غربی معتقدند که قرون وسطی با ظهور عصر مسیحیت آغاز شده و پاره ای دیگر قرن پنجم دوران سقوط امپراطوری رم غربی - را آغاز آن می دانند . ایشان در مورد دورائی که با قرون وسطی پایان می یابد - از قرن چهاردهم تا شانزدهم - نظرات متفاوتی ابراز می دارند. هدف اصلی آنها اینست

که ثابت کنند در روابط اجتماعی، در انتقال از عهد عتیق به قرون وسطی هیچگونه تغییرات انقلابی رخ ننموده است.

نویسندگان بورژوازی گوناگون برحسب اعتقادات سیاسی خود با این مسئله برخورد می‌کنند. دو مسئله در مرکز مباحثه قرار داشته است: ارزش و اهمیت هجوم قبایل ژرمن و نقش تاریخی جماعت (مارک) ژرمن در مسود دولت هائی که در قلمرو امپراطوری سابق رم پدید آمدند «وتیز»<sup>۱</sup>، سام<sup>۲</sup>، برونرا<sup>۳</sup> و سایر مورخان شوونیست آلمانی قرن نوزدهم، سقوط امپراطوری رم را بمثابة پیروزی «روح ملی» آلمانی بر جامعه منحط رمی تصویر می‌کنند و هرگز نقش جماعت اشتراکی (مارک) را در استقرار روابط اجتماعی جدید یادآوری نمی‌کنند. مورخ فرانسوی اواخر قرن نوزدهم - فوستل دو کلانژ<sup>۴</sup> - وجود جماعت کشاورزی را ندیده می‌گرفت و مدعی بود ملک فئودالی شالوده اقتصاد قرون وسطی بوده و حتی معتقد بود که مالکیت مزبور در همان امپراطوری رم شکل گرفته بوده است. وی بی آنکه دلیلی ارائه دهد می‌گفت جماعتی اشتراکی بنام «مارک» اساساً وجود خارجی نداشته است و بدین گونه می‌خواست طبیعت ابدی طبقه ثروتمند و بهره‌کشی دهقانان توسط اشراف را ثابت کند.

مورخ مذکور و برخی دیگر از مورخان غربی همگان این حقیقت را انکار می‌کنند که امپراطوری رم بدست قبایل ژرمن فتح گردیده است و اعلام می‌کنند آنچه عملاً روی داده، رخنه تدریجی قبایل ژرمن به جامعه رمی بوده که به هیچگونه تغییری در ماهیت جامعه مزبور منجر نگردیده است.

فوستل دو کلانژ با به اصطلاح تئوری جماعت اشتراکی آشکارا مخالف بود ولی مورخان بورژوازی دیگر که از این تئوری جانبداری کردند (ماره<sup>۵</sup> و دیگران) نقش واقعی نظام اشتراکی قبایل ژرمن را بویژه در استقرار و تکامل بیشتر فئودالیسم درست دریافتند. «ماره» معتقد بود که جماعت اشتراکی که بر قوای طایفه باستانی ژرمن شکل گرفته بود پایه بی‌تحرک

1- Walts

2- Sohm

3- Brunner

4- Fustel deconlanges

5- Maurer

زندگی در جامعه قرون وسطی است.

مورخ دیگر «دوپش»<sup>۱</sup> نیز میکوشید ثابت کند که در گذار به قرون وسطی جهشی در میان نبوده است. وی معتقد بود که قبایل ژرمن باستان بی آنکه آسیبی به تمدن رمی وارد آورند نمایندگان و حامیان آن گردیدند و نیز نظام اجتماعی ایشان گویا هرگز از جامعه رمی متمایز نبوده است. به عقیده «دوپش» اینهمه، فقدان تغییرات انقلابی را در گذار به قرون وسطی ثابت میکند. وی همچنین معتقد بود که ماهیت هر دو نظام عبارت بود از مالکیت خصوصی بزرگ که از ازل وجود داشته است. از این لحاظ نظرات او با بسیاری از مورخان بورژوائی معاصر مطابقت دارد.

مورخان بورژوائی غربی نیز واژه فتودالیسم را بکار می‌برند ولی منظور آنها چیزی کاملاً متفاوت از شرحی است که در فوق مذکور افتاد.

فرانسوا پی برگیز و او برخی مورخان قرن نوزدهم به فتودالیسم همچون نظامی مبتنی بر واسالی می‌نگریستند و ویژگی اساسی آنرا پراکندگی سیاسی می‌دانستند. ایشان تئوری تکامل جامعه بشری را نمی‌پذیرفتند و مفهوم تغییر صورت‌بندی های اجتماعی- اقتصادی را رد می‌کردند.

«هنری سه»<sup>۲</sup> یکی از برجسته‌ترین مورخان معاصر نیز معتقد است که مراد از فتودالیسم پراکندگی یا عدم تمرکز سیاسی است. وی میان «لاتیفوندیا»ی رمی و ملک فتودالی قرون وسطی تفاوتی نمی‌داند. به عقیده او ملک فتودالی ملکی بود که کاملاً به ارباب تعلق داشت.

مورخان بورژوائی معاصر از درک علمی واژه فتودالیسم باز هم بیشتر منحرف گشته‌اند. مورخان امریکایی، «استریر»<sup>۳</sup> و «کلبرن»<sup>۴</sup> معتقدند که فتودالیسم عبارت از نظام ویژه‌ای از روابط اجتماعی نیست بلکه واژه‌ای کاملاً قراردادی است که برای تشخیص امور متفاوت در زمان‌های متفاوت آمده است. به عقیده آنها فتودالیسم در وهله اول «شیوه اداره» است و نه نظامی اقتصادی و اجتماعی و گویا فقط اسماً وابسته به زمین داری - فیهما - است. ایشان معتقدند حاکمیت

1- Dopsch

2- Francois Pierre Gizot

3- Henri sée

4- Strayer

5- Colburn

سیاسی ارباب فتودال بهیچوجه به هیچ فراگرد اقتصادی یا اجتماعی بستگی نداشته است. از این رو آنان همصدا و با اطمینان خاطر، زمان حدوث فتودالیسم را در بین النهرین و مصر باستان، سومین هزاره پیش از میلاد و در چین و شبه جزیره عربستان و در اروپای شرقی و غربی در نخستین هزاره پیش از میلاد میدانند. در حالیکه به عقیده این مورخان روسیه و هندگویا از فتودالیسم کاملا اجتناب کرده اند.

این جهان بینی، ویژه مورخان بورژوائی است که دوره بندی علمی تاریخ را انکار کرده و مدارك واقعی را خواه در مورد گذشته و خواه در حال حاضر هرگاه با اعتقادات سیاسی ایشان منطبق نباشد نادیده می گیرند.



## فصل یازدهم

# مرحله متکامل فتودالیزم

---

## رشد پیشه‌ها و بازرگانی

ظهور و شکفتگی شهرها بمنزله مراکز پیشه‌ها و بازرگانی و تولید کالائی از ویژگی‌های فتودالیزم متکامل است. تقسیم کار میان پیشه‌های شهری و کشاورزی که از نظام اشتراکی کهن آغاز شده بود و در دوران برده داری بیش از پیش ادامه یافت در اوائل قرون وسطا متوقف ماند. زوال دولت‌های برده دار با انحطاط اقتصادی همراه بود. شهرها - جز چند شهر بزرگ آسیائی و آفریقائی - دیگر مراکز پیشه‌ها و صناعت نبود.

لیکن در نتیجه تکامل نیروهای مولد در جامعه فتودالی مرحله جدیدی در جدائی پیشه‌های شهری از کشاورزی در جامعه مزبور فرا رسید.

جریان جدائی پیشه‌های شهری از کشاورزی را بطور مشخص در اروپای غربی - بویژه در فرانسه می‌توان دید.

تخصص  
پیشوران

بسیاری از دهقانان بهره مالکانه خود را خوراه در کشاورزی و خوراه در صنعت که غالباً بافندگی بود بطور جنسی می پرداختند.

ابزارهای کشاورزی در این هنگام تکمیل شده بود. گاو با نخیش آهنی نخستین اصلاحی بود که بطور وسیع مورد استفاده قرار گرفت. گذار نهائی از شیوه های سوزاندن و پاک کردن جنگلها و آیش زمین، هشیوه کشت دوباره و سه باره به انجام رسید. زراعت و بستن کاری گسترش یافت. خانوار دهقانی در این هنگام بیشتر وقت خود را به پیشه های گوناگون می گذراند و برخی افراد در پیشه معینی تخصص یافتند. صنعتگران نخستین، آهنگران و کوزه گران بودند. فنون ساختمانی روبه پیشرفت بود. بکار گرفتن آسیای آبی عامل مهمی در تکامل تولید بود. اینجا و آنجا بناهای عظیم سنگی پدید آمد. اعضای طبقه حاکم ترجیح می دادند به جای لباس کتان لباس پشمی بپوشند. بدین گونه تولید پشم روبه فزونی رفت. روز به روز از میان دهقانان پیشهوران ماهری برمی خاستند.

برخی از دهقانان بهره مالکانه خود را تماماً با محصولات ساخت خود می پرداختند. غالباً این پیشهوران نیاز روستائیان همکار خود را نیز برمی آوردند و به تدریج توانستند مبالغی پول پس انداز کنند. ایشان هنوز دهقان بودند ولی کشت زمین دیگر یگانه وسیله امرار معاش آنها نبود.

ورود پیشهوران  
به بازار

استقرار روابط میان پیشهوران و بازار نشانه مرحله تازه ای در رشد پیشه ها بود. هنگام شکوفایی فتودالسم معمولاً دهقانان نیمه پیشه ور از ارباب خود اجازه داشتند مصنوعات خود را در بازارهایی که در روزهای مخصوص در کنار قلعه ها و دبرها تشکیل می شد در معرض خرید و فروش گذارند. ولی این خرید و فروشها جنبه اتفاقی و پراکنده داشت و نمی توانست به جدائی میان پیشه ها و کشاورزی در جامعه بطور کلی بیانجامد. از این رو مصنوعات تنها به ندرت جنبه کالائی داشت.

در آغاز جدائی پیشه ها و کشاورزی در چارچوب ملك فتودالی معینی

پیش می‌رفت. ولی با پیشرفت تخصص، پیشه‌ور ترجیح می‌داد کالای خود را در بازار بفروشد و کالای مورد نیاز خودش را بخرد. او رفته رفته به صورت تولید کننده کالا در می‌آمد. یعنی اجناسی که فقط برای فروش تولید می‌کرد.

در روستاها کالائی که بدست پیشه‌وران ماهر تر تولید می‌شد چندان تقاضائی نداشت. گذشته از این پیشه‌وران رفته رفته احساس می‌کردند که بهره‌کشی ارباب مانع پیشرفت آنهاست. دهقانان نیمه پیشه‌ور

تقسیم اجتماعی  
کار میان  
شهر و ده

گرایش به ترك ملك فتودالی داشتند و می‌خواستند به جایی نقل مکان کنند که فارغ ازستم ارباب بتوانند کالاهای خود را بفروش رسانند.

برخی از دهقانان پیشه‌ور از دیار خود می‌گریختند و پاره‌ای دیگر در ازای پرداخت مبلغی با اجازه ارباب خود روستا را ترك می‌گفتند. ارباب همیشه نیازمند به پول بود و از این رو بدین کار رضایت می‌داد. در آغاز اجازه ارباب به دهقانان مزبور فقط برای مدتی کوتاه بود (مثلا در طی يك بازار مکاره، در فصل زمستان هنگام بی‌کاری در ملك) ولی بعدها مدت آن نامحدود گشت.

نه فقط پیشه‌وران ماهر روستا را ترك می‌کردند، کشاورزانی هم که برای بر آوردن نیازهای فوری خود به تولید پیشه‌وری می‌پرداختند روستا را ترك می‌گفتند.

بدین گونه تقسیم اجتماعی عمومی کار میان کشاورزی و پیشه‌های شهری از مرزهای ملك فتودالی و جمناعت روستائی فراتر رفت و تمامی جامعه را فرا گرفت و سبب پیدایش تضادهائی میان شهر و ده گشت.

دهقانانی که از روستاها گریخته یا با اجازه ارباب خود روستاها را ترك می‌کردند می‌گوشیدند در جایی مقیم شوند که بتوانند اجناس خود را مصون از

ایجاد اقامتگاه‌های  
شهری

خطرات احتمالی به فروش رسانند و نیز به منبع مواد اولیه نزدیک باشند.

شرایط مزبور در جوار دژهای اقامتگاه پادشاهان، شاهزادگان و اسقف‌ها و مراکز اداری فراهم بود. سرف‌های فراری با شادی تمام در کنار دیرها و صومعه‌های بزرگ که معمولاً به صورت دژ ساخته شده بود اقامت می‌گزیدند.

اردوگاه‌های کاروانی تجار در تقاطع مسیرهای بازرگانی و راه‌های آبی نیز از اقامتگاه‌های دهقانان مزبور بود. در این مراکز میان تجار نواحی گوناگون مبادله کالا انجام می‌گرفت و همینکه کاروانی بار خود را خالی می‌کرد بی‌درنگ کالاهای تازه‌ای بارگیری می‌نمود. تجار غالباً مصنوعات تولیدی پیشه‌وران را می‌خریدند و دهقانان سابق را به عنوان کارگر قایقران و جز آن اجیر می‌کردند.

در اقامت گاه‌های تازه، دهقانان (که معمولاً وابسته

**آزادی دهقانان**

به زمین بودند) رفته رفته خود را از قیود فئودالی

**از وابستگی**

رها می‌نمودند، زیرا پادشاه و ارباب فئودال محلی

**شخصی**

نیز علاقه‌مند بودند که پیشه‌وران و نیروی کارگری

آماده‌ای در جوار خود داشته باشند.

دهقانانی که پس‌اندازی داشتند آزادی خود را می‌خریدند. آنها که نداشتند به علل گوناگون از پرداخت بهره خود داری می‌کردند و به روستاها و نزد اربابشان باز نمی‌گشتند. ارباب نیز چاره‌ای جز تسلیم نداشت. در نتیجه آنها نیز آزادی خود را بدست می‌آوردند.

روابط بازرگانی مستقر میان ایتالیا و فرانسه جنوبی

**شهرهای ایتالیا**

از یکسو و «بیزانتیوم» و «لوان» (ممالک واقع در

**و جنوب فرانسه**

ساحل شرقی مدیترانه) از سوی دیگر، سبب ظهور

شهرهای ایتالیائی و نیز، جنوا، پیزا و ناپل و شهرهای فرانسوی ماری، آرن،

ناربن، مونپیه و بسیاری شهرهای دیگر گشت. شهرها به‌عنوان مراکز پیشه‌ها

و بازرگانی در ایتالیا و فرانسه از همان قرن هشتم و در کنار دانوب و داین و

در انگلیس در قرن دهم و یازدهم به پیدائی آمدند.

## شهرهای باستانی روسیه

در قرن دهم «کیف» مهم‌ترین شهر روسیه بود. در این هنگام نووگروود نیز به عنوان مرکز عمده پیشه‌ها و صناعت احداث شد. شهرهای چرنیگف، اسمولسک و پولوتسک نیز نقش مهمی در زندگی اقتصادی روسیه قدیم داشتند. مسکو به عنوان شهری با جاده‌های بازرگانی پهناور در قرن نهم به پیدائی آمد و در میانه‌های قرن دوازدهم به سرعت رو به شکوفائی نهاد و در اوائل قرن سیزدهم به صورت پایتخت امپراتور مسکوی درآمد. اکثر شهرهای روسیه بر حسب نقشه زیرین احداث گشت؛ در وسط شهر منطقه‌ای به صورت دژ ساخته شده بود با يك خندق و دیوارهای بسیار محکم و ضخیم (که به آن کرملین می‌گفتند). این محل اقامت گاه دوک یا فرمانده نظامی پادگان و درباریان وی بود. اقامت گاه‌های تجار و پیشه‌وران در اطراف «کرملین» قرار گرفته بود.

شهرهای کهن روسیه با نواحی مجاور ولگا، قفقاز، روم شرقی، آسیای میانه، ایران، ممالک عربستان و کشورهای مدیترانه‌ای روابط تجاری داشتند. میان مسکوی و اسلاوهای شمال، اسکاندیناوی، چک، موراویا، لهستان، مجارستان، آلمان و ممالک دیگر روابط بازرگانی وسیعی وجود داشت.

سرا انجام ارباب فتودال بیش از پیش به بازار بستگی یافتند. آنها محصول املاک خود را در بازار می‌فروختند و اجناس ضروری خود را می‌خریدند.

## تولید کالایی. بازرسانان

دهقانان نیز به خرید برخی محصولات از بازار آغاز نمودند. تشدید ستم فتودالی دهقانان را مجبور به ترك روستاهای خود می‌کرد و این موضوع به ازدیاد اقامت‌گاه‌های تجار و پیشه‌وران که در آن زمان مرکز تولید کالایی شده بود می‌افزود. نیاز اهالی به غله و محصولات کشاورزی دیگر موجب استقرار مبادله کالایی میان شهرها و روستاها گشت. قلمرو تولید اجتماعی، اینک به دو بخش: کشاورزی و صنعتی تقسیم

شده بود. محصولات تولیدی به صورت کالا درآمده و قشر اجتماعی تازه‌ای - بازرگانان - پذیرد آمده بودند که شغل منحصر آنها خرید محصولات تولیدی پیشه‌وران و فروش آن در بازار بود.

تقسیم اجتماعی کار نه فقط به استقرار اقامت گاه‌های پیشه‌وران و بازرگانان (که در این هنگام به صورت شهر در آمده بود) و ایجاد بازار داخلی انجامید

### تشکیل اصناف

بلکه تغییرات مشخصی در روابط اجتماعی و سیاسی موجود بوجود آورد. دهقانان گریزان از روستا، شیوه‌ها و سنن زندگی جماعتی خود را نیز به اقامت‌گاه‌های تازه‌شان به ارمغان می‌آوردند. بر این بنا بود که جماعت‌ها یا کمون‌های جدید شهرهای آینده ایجاد گشت. آنها همه حوزه‌های اصلی: کشاورزی، پیشه‌ها، بازرگانی، حمایت در برابر ارباب فئودال همجوار و جز آن را تحت قاعده و نظم در آوردند. جماعت‌ها به سرف‌های فراری بهر طریق که شده یاری می‌دادند و به آزادی آنها از اسارت و تأمین حقوق شخصی و مالکیت آزادگان کمک می‌کردند. سرانجام این پدیده شالوده‌ای برای ایجاد صنف گشت. سازمانی از پیشه‌وران که راهنمای عمل آن اصول اداره جماعت اشتراکی بود و در عین حال با خصلت اقتصادی جامعه‌ای که بر تولید کالائی کوچک استوار بود هماهنگ بود.

گسترش تجارت بر اهمیت نقش پول و سرمایه - به ویژه سرمایه تجاری - افزود. البته این به معنی پیدایش سرمایه داری نبود زیرا روابط سرمایه داری مستلزم تبدیل نیروی کار به صورت کالا است. در

### رشد تجارت و نقش پول در فنودالیسم

فنودالیسم نیز پول به اجرای همان وظایفی آغاز نهاد که در برده داری انجام می‌داد و به سرمایه داری آینده انتقال یافت.

در مرحله متقدم قرون وسطی تجارت خارجی بر تجارت داخلی تفوق داشت. از این رو در آغاز عمل کرد پول جهانی (به معنی مشروط این کلمه)

به پیدائی آمد. گسترش تجارت به معنی آن بود که بازرگانان به پول به عنوان وسیله‌ای برای بدست آوردن مبلغی اضافی از راه فروش کالائی که خریده بودند بريك مبنای نامتعادل- می‌نگریستند. این معادله میتواند با قاعدهٔ پ. ك. «پ» (پول- کالا- پول) بیان شود که در آن «پ» بزرگتر از پ میباشد. این معامله به سبب تسلط انحصاری ثجار بر بازار و آگاهی آنها از قیمت‌ها در محل‌های گوناگون امکان پذیر می‌گردد. در این مورد پول نقش سرمایهٔ مالی را بازی می‌کند.

در این مرحله پول هنوز چیزی بود که از خارج، از قلمروهای دیگر وارد شده بود ولی در آن هنگام وسیله‌ای برای اندوختن ثروت، سنگ‌ها و فلزات گرانبها در صندوق‌های ارباب فتودال بود. به عبارت دیگر پول در آن هنگام وسیله‌ای برای پس‌انداز بود.

بهره‌کشی روز افزون از توده‌های زحمتکش که تظاهر آن در افزایش مالیات و عوارض گوناگون بود، در شرایط روابط بازاری ساده وظیفه‌ای دیگر برای پول به عنوان وسیله‌ای برای پرداخت بوجود آورد.

تقسیم اجتماعی بیشتر کار به گسترش روابط کالا- پولی منجر گردید. نقش دیگر پول به عنوان وسیله گردش کالا آغاز می‌گشت. ضرب سکه رواج یافت.

و سر انجام گسترش روابط پولی- کالائی، تولید کنندهٔ مستقیم- دهقانان و پیشه‌وران- را در روابط بازار گرفتار کرد و سبب شد که پول رفته رفته به عنوان سنجیدار (مقیاس) ارزش نیز مورد استفاده قرار گیرد. دهقانان و پیشه‌وران در معاملات متقابلشان، ضرورت محاسبهٔ هزینه‌های خویش را به زمان و کار دریافتند. از این لحاظ پول نمی‌توانست همیشه نقش سنجیدار وزن فلزات گرانبها را اجرا کند. در این هنگام نیز مانند برده داری روابط پول- کالائی با قاعدهٔ پ- ك مشخص می‌گشت.

شهرهای قرون وسطی در اراضی تحت تملك ارباب فتودال واقع شده بود و بنابراین زیر سلطهٔ آنها قرار داشت. در آغاز ارباب فتودال فرمانروای

مبارزه شهرها  
علیه ارباب فتودال

هالی هر شهر بود و میکوشید بیشترين بهره ممکن را از آن برگيرد. از اين رو هیئت‌های مدیره خودمختار شهر مجبور بودند با ارباب قنودال به مبارزه برخیزند. در مبارزه برای تثبیت حقوق جماعت‌های شهری، تمامی اهالی علیه ارباب قنودال پیامی خواستند. نتیجه این مبارزه، ساخت سیاسی شهر و وابستگی بیشتر آن را به ارباب قنودال تعیین میکرد. تقاضای جماعتها از حق وصول مالیات گرفته تا خودمختاری کامل بود. شهرهای خود مختار به صورت واحدهای سیاسی مستقل درآمد. فرانسه واحدهای مزبور را کمون می‌نامیدند (و دارای دادگاه، پادگان و آلیه‌های ویژه خود بودند. ساکنان شهر - کمون‌ها - از پرداخت مالیات معمولی به ارباب قنودال معاف بودند.

در اروپای غربی - در آغاز در ایتالیا فرانسه و هلند و سپس در آلمان - جماهير شهری خودمختاری پدیدار شد (قرون یازدهم - دوازدهم). در قرن یازدهم «نورگرو و لیکی» جمهوری متمایزی در روسیه بود.

بسیاری از شهرها به ویژه شهرهایی که در اراضی سلطانی بوجود آمده بود به اندازه کمون‌ها حق خودمختاری نداشتند و از يك رشته امتیازات و آزادی‌ها برخوردار بودند. هیئت‌های منتخب شهر، یا نمایندگان ارباب قنودال یا مقامات درباری مشورت می‌کردند. شوراها نیز که انجمن هالی برگزیده شهرها بود برگزار می‌شد. برپیشینت نظارت می‌کرد و دستورات گوناگون صادر می‌نمود. شهرهای کوچک که نه تیررهاي نظامی لازم و نه وسیله مخالفت با ارباب قنودال را در اختیار داشتند زیر سلطه آنان باقی ماندند. یکی از ویژگیهای همه شهرها این بود که اهالی از آزادی شخصی برخوردار بودند. هر دهقانی که برای يك سال در شهری زندگی می‌کرد دیگر فردی آزاد بود.

در آسیا نیز شهرها علیه قنودال‌ها می‌جنگیدند ولی معمولاً به شکست شهرها پایان می‌یافتند اهالی نمی‌توانستند به خودمختاری برسند.



## مبارزه میان پاتریسین‌های شهر و پیشه‌وران

پس از آنکه مبارزه میان اهالی شهرها و ارباب  
فئودال پایان یافت و موقعیت اهالی تثبیت شد  
تضادهای اجتماعی میان خود آنها تشدید گشت.

قشر ثروتمند اهالی (که به تقلید از دم باستان «پاتریسین» خوانده  
می‌شدند) - اشرافد رهبری شوراهاى شهر را بدست آوردند. پاتریسین‌ها عبارت  
بودند از مالکان اراضی شهرها، بازرگانان ثروتمند، رباخواران و معدودی  
فئودال‌های کوچک که در شهرها زندگی می‌کردند. اکثریت جمعیت را پیشه‌وران  
و خانواده‌های آنها تشکیل می‌دادند.

همینکه اصناف در شهرها گسترش یافتند، بر اهمیت آنها در زندگی سیاسی  
جماعت افزوده گشت. اصناف در مبارزه خود با پاتریسین‌ها در شهرهایی مانند  
نکولون و فلورانس توانستند پیروزیهای بدست آورند و مواضع مهمی را  
اشغال کنند. در مراکز تجارتی عمده - شمال آلمان - پاتریسین‌ها قدرت خود  
را حفظ کردند. این مبارزه غالباً با سازشی که به موجب آن نمایندگان اصناف  
ثروتمندتر و نیرومندتر بر اساس تساوی با اشرافیت در شورای شهر پذیرفته  
می‌شدند، پایان می‌یافت. رؤسای صنوف که به قدرت دست می‌یافتند گروه  
ممتازی را تشکیل می‌دادند که مانع پیشرفت بیشتر دموکراسی در درون شورای  
شهر بود. این گروه با پاتریسین‌ها یکی گشت.

## اصناف

پیشه‌ها مبنای تولیدی شهر قرون وسطی را تشکیل

می‌داد. تولید کوچک در دوران فئودالیسم هم در

روستاها و هم در شهرها وجود داشت. پیشه‌ور مانند دهقان تولید کننده کوچکی  
بود. او از خودش ابزارهایی داشت و به کار خود متکی بود و هدفش تأمین  
معاش بود نه بدست آوردن سود.

پیشه‌وران قرون وسطی به اصناف تقسیم شده بودند. اعضای هر واحد  
پیشه‌وری در صنفی متحد شده بود. صنف کار تولید را تنظیم می‌کرد مثلاً طول  
و عرض پارچه و کیفیت مواد اولیه و جز آن را تعیین می‌کرد. قاعدتاً هر پیشه‌وری

نمی‌توانست بیشتر از دو دستیار و دو شاگرد داشته باشد. منشور صنف، مزد دستیاران و قواعد فروش کالا را تعیین کرده بود. قیمت کالاها نیز ثابت بود. اصناف در عین حال انجمن‌های کمک متقابل بودند که وظایف دینی را نیز به جا می‌آوردند؛ نمازخانه‌ها و مقدسین و اعیان مذهبی خاص خود داشتند و جز آن، و نیز هر صنف عبارت از دسته‌ای نظامی بود که در صورت بروز جنگ زیر فرمان رئیس خود سلاح کف می‌گرفت. در اکثر شهرها طبق قانون، پیشه‌وران شهر به اصناف گوناگون تعلق داشتند. هیچ يك از اهالی بدون وابستگی به صنف معین، حق کار کردن در پیشه خود را نداشت. فروش اجناسی که در شهر ساخته نشده بود (و این شامل روستاهای تابع نیز می‌شد) در شهر مجاز نبود.

درون صنف تقسیم عمومی کار وجود نداشت. رشد اطلاعات علمی و ایجاد تخصص خلصت کار پیشه‌ور را تغییر داد. نقطه اصناف جدیدی پدید می‌آورد. پاریس در قرن چهاردهم، ۳۰۰ صنف داشت.

در آغاز، اصناف و اقدامات نوناگون آنها - برقراری هماهنگی میان پیشه‌وران و دفاع از حقوق ایشان - جز مرفقی داشت. لیکن بعداً به سد و مانعی در برابر رشد اقتصادی تبدیل گشت. رؤسای صنف اوامر گوناگون برای جلوگیری از اختراعات تازه و اصلاحات فنی صادر نمودند. مثلاً استفاده از چرخ ریسندگی در قرن ۱۳ و ۱۴ و نیز يك چرخ پارچه بافی که در قرن یازدهم اختراع شده بود تا قرن پانزدهم غیر قانونی بود. در عین حال هر صنف اسرار صنفی خود را بطور محرمانه‌ای محفوظ نگاه میداشت.

هر صنف دارای سلسله سمراتی بر حسب الگوی فنودالی بود. استادکار - دستیار - شاگرد (پادو، م). در آن زمان استاد کلان صنف گروه صاحب

دستیاران  
و شاگردان

امتياز دانشکبلی می‌دادند. هیچ دستياری نمیتوانست امید استاد شدن داشته باشد مگر آنکه کالائی باکیفیتی استثنائی - در حد يك شاهکار که کم تقاضاترین کالا را به

پرفروش ترین تبدیل کند - بسازد و کمیته‌ای مخصوص به این موضوع گواهی دهد . گذشته از این وی مجبور بود مبلغی گزاف بابت مراسمی بدین مناسبت خرج کند . زمانی فرا رسید که شرایط ایجاد آن شاهکار چنان دشوار گشت که عملاً فقط فرزندان یا بستگان استادان صنف میتوانستند به استادی برسند . سرانجام قشر پایدار دستیاران که هیچگاه نمی توانستند امید استادگارشدن داشته باشند تشکیل شد . آنها به ایجاد انجمن‌ها و اخوت‌های خاص خود برای دفاع از منافعشان دست زدند . در عین حال يك قشر بندی اقتصادی هم چه در میان اصناف و چه در میان استادان هر صنف شکل می گرفت . پیشه‌وران اینک تحت استثمار سرمایه تجاری قرار داشتند . اصناف در مراکز تجاری عمده با کسانی که کالاهایشان را می خریدند و برای آنها مواد خام فراهم میکردند تماس‌هایی برقرار نمودند . روش ایشان نیز این بود که استادکارانی در اختیار داشته باشند که مواد خام آنها را بخرند و کالاهای ساخته شده خود را فقط به آنها بفروشند استادان ناموفق مواد خام خود را بر اساس اعتبار می خریدند و پول خود را به صورت کالا پس می دادند . بدین گونه آنها بطور کلی وابسته به خریداران مزبور - این نخستین تجار حرفه‌ای گردیدند .

همینکه اهمیت نقش پول دو به فزونی رفت ،  
 نه فقط زحمتکشان ، بلکه ارباب فتودال نیز بیش از  
 پیش به وام گرفتن پول نیازمند گردیدند . این پدیده  
 سبب ظهور قشری از مردم شد که مبالغ هنگفتی پول بپندوزند و آنرا با بهره زیاد  
 قرض دهند . در این مورد نیز پول به سرمایه مالی و به معنی بهتر به سرمایه  
 ربائی تبدیل شد . قاعده گردش آن به صورت پ - «پ» درآمد . در این قاعده  
 «پ» بزرگتر از پ می باشد .

بازرگانان نیز بدون وام نمیتوانستند ، کار خود ادامه دهند . این موضوع  
 سبب توسعه اعتبار و طلبات رهنی و استغیر از بانک‌ها شد . بانک در آغاز در  
 شمال ایتالیا که در آنجا روابط پول - کالایی در قرون ۱۳ و ۱۴ گسترش بسیاری

یافته بود پدید آمد . «بانک» از واژه ایتالیائی «Banca» (میز صراف) مشتق شده است. واژه «Bankruptcy» به معنی ورشکستگی از عبارت «Bancrota» (میز واژگون صراف) میآید. زیرا اگر رباخواری ورشکست شد، بدان معنی است که میز او سرنگون شده است. صرافان به پیشه‌وران نیازمند نیز «کمک» می‌رساندند و بدین گونه فقر و خانه‌خرابی بسیاری را پیش می‌انداختند.

در آن هنگام شاگردان، دستیاران، پیشه‌وران  
 تهمی دست‌و‌گروه‌های مشابه دیگر فشرینوایان شهری  
 را تشکیل می‌دادند که با طبقه حاکم - بازرگانان،  
 رباخواران، پیشه‌وران ثروتمند و اشرافیت فئودال شهر مبارزه میکردند. بارها  
 قیام‌هایی از سوی بینوایان علیه ستمگران خود روی داد لیکن در این هنگام آنها  
 هنوز نمی‌توانستند نظام اجتماعی مستقر را به تکان آورند.

مبارزه علیه  
 ظلم

## روابط پول - کالائی و روستا - تبدیل شکل بهره مالکاند

افزایش تولید برای بازار آثار خود را بر تکامل روابط ارضی بر جا  
 گذارد. نقش بهره‌کاری بایبگاری کاهش یافت. در اواسط قرن سیزدهم بهره  
 مالکانه جنسی و به ویژه نقدی در اکثر ممالک اروپائی متداول گشت.  
 در طی دوره متقدم قرون وسطی مالیات نقدی رویدادی اتفاقی بود ولی  
 در این زمان دریافت و اندوختن پول هدف اصلی ارباب فئودال بود. تعویض  
 بهره‌کاری (بیبگاری) با بهره پولی و مالیات جنسی تسلط یافت. دهقانان مجبور  
 بودند محصولات کار خود را غالباً در بازار بفروش رسانند.  
 در کوشش برای افزایش مبلغ بهره نقدی، ارباب فئودال به دهقانان  
 خود آزادی اقتصادی محدودی «اعطا» نمودند. بدین گونه وابستگی شخصی

دهقانان تا آنجا که به ارباب فتودال مربوط بود اهمیت سابق خود را از دست داد. اوسودمند می‌دید که به جای دریافت مالیات سالانه به خاطر وابستگی، مبلغ گزافی یکجا از دهقانان دریافت کند. تاوان آنچنان سنگین بود که دهقانان غالباً نمی‌توانستند آزادی خود را بخرند. آنها علیه چنین «آزادشدنی» معترض بودند و ارباب فتودال برای واداشتن آنها به «آزاد کردن» خود بارها به فشار مسلحانه متوسل شدند.

**نابرابری اقتصادی**  
**در میان دهقانان**

شرکت دهقانان در کار پیشه‌وری و تغییر در مالکیت زمین و استفاده از آن سبب گسترش نابرابری اقتصادی گشت. در قرون ۱۲-۱۳ - اراضی واگذار شده به دهقانان سرانجام موروثی گشت. ازدیاد تعداد وارثان در هر خانواده منجر به این شد که قطعات اراضی دائماً تقسیم و پراکنده شود. دهقان با قطعه زمین خود می‌توانست هر طور مایل بود بکند. او می‌توانست آنرا بفروشد یا قطعه دیگری بخرد، آنرا به گرو بگذارد و جز آن ولی منظور فروش خود زمین واقعی نبود بلکه فروش حق خودش به استفاده از زمین معینی بود. معاملات گوناگونی که در مورد زمین میان ارباب فتودال انجام می‌گرفت و نیز خرید و فروش «حق» وصول مالیات از دهقانان از نظر ماهیت فرقی نداشت. همه دهقانان قادر نبودند مالیات فتودالی مربوط به قطعات زمین خود را پردازند. دهقانان بینواتر سرانجام املاک خود را یا بکلی یا تا حدی از دست دادند. عده زیادی از املاک کوچک دهقانی به سوی رباخواران کشیده شد. در این هنگام سرمایه ربائی آغاز کرد به رخنه در روابط کشاورزی. دهقانان نیازمند اراضی خود را به نزد رباخوار به گرو می‌گذارند و در اکثر موارد بهره کم‌رشدگی که آنها باید می‌پرداختند مانع از آن بود که دهقانان بار دیگر تملك اراضی خود را بدست آورند. دهقانان ثروتمند اراضی همسایگان تهی‌دست خود را تصاحب می‌کردند و بدین گونه به وسعت اراضی خود می‌افزودند.

## اجاره داری دهقانان تهنی دست

با اینکه مالکان فئودال بخش چشم گیری از کل محصول  
دهقانان را از چنگ آنان می ربودند، لیکن هنوز  
می کوشیدند میزان مالیات را بالا ببرند. ولی افزایش

پرداخت های معمولی ممکن بود به تغییرات اجتماعی شدیدی منجر گردد.

طبقه حاکم فئودال (به ویژه در فرانسه و هلند جنوبی) بی درنگ شیوه  
پرداختی را که آنها را قانع کند نیافتند. بسیاری از فئودال ها خواه روحانی و  
غیر روحانی از اربابان ثروت مندتر کلیسا و رباخواران برای خلاصی از مشکلات  
مالی خود تقاضای وام می کردند. این دسته از زمین داران کاملاً به قشرهای  
مزبور وابسته می شدند.

ارباب فئودال مالیات محلی جاده های متعددی از دهقانان و تجار وصول  
می کردند. مالیات مزبور تنها یک منبع مهم در آمد اضافی نبود بلکه وسیله  
احمال فشار به دهقانان نیز بود. دهقانان در ازای استفاده از جاده، برای عبور  
از پل، برای راندن چار پایان خود به قطعه زمین معینی مالیات می دادند. آنها  
برای گرفتن اجازه برای فروش محصولی در بازار یا هر نوع معامله دیگر  
باید مالیات بدهند.

و با اینکه این مالیات ها نمی توانست اشتهای ارباب را سیر کند. بسیاری  
از مالکان ثروتمند بهتر دیدند املاک خود را برای مدتی معین به دهقانان اجاره  
دهند و در قبال آن بهره ای که تقاضا می کردند بیشتر از هوایندی بود که از  
یک ملک عادی وصول می نمودند. به تدریج این شیوه سودمندانه که به اجاره داری  
کوچک دهقانی موسوم است پیش از پیش رواج یافت. در این مورد پرداخت  
بهره به صورت بخشی از محصول بود که گاه (مثلاً در فرانسه) حتی  
به نیمی از آن می رسید.

دهقانان ثروتمند املاک بزرگ را از ارباب اجاره می کردند و آنان نیز  
بنوبه خود آن املاک را به قطعات کوچک میان دهقانان تهنی دست به اجاره  
وامی گذاردند.

هیچ نوع اجاره داری مسبب رشد بیشتر روابط فئودالی گشت.